

## تعامل سازمان های مردم نهاد و قوه قضائیه در حمایت از بزهدیدگان

امیر هاشم زاده<sup>۱</sup>

محمد علی حاجی ده آبادی<sup>۲</sup>

### چکیده

گسترش روز افزون جرایم در عصر حاضر، توأم با بروز و ظهور انواع نوین و متفاوت پدیده مجرمانه و بزهکاری شده است. عدم توفیق سیستم عدالت کیفری رسمی با استفاده از ضمانت اجرای کیفری در زمینه های مختلف از جمله: پیشگیری واکنشی از وقوع جرم، برخورد به هنگام با مجرمین، اصلاح منطقی و باز اجتماعی شدن مرتکبان، موجب شکل گیری این پرسش شده است که آیا نبایست در پی افزایش، تقویت و به روزرسانی تدابیر و برنامه های سیاست کیفری مبتنی بر مشارکت فعال و اصولی جامعه مدنی بود؟ قاعدتاً، مشارکت سازمان های مردمی (سمن ها) که به طور داوطلبانه و خودجوش پا به عرصه حقوق کیفری می گذارند تا در جهت رفع معضلات اجتماعی و خدمت رسانی عمومی فعالیت کنند؛ مصداق بارز سیاست کیفری مشارکتی است. ضرورت توجه ارکان حکومت به شناسایی، ساماندهی، ارزیابی و نظارت بر سمن ها امری لازم و غیر قابل انکار است. بر این اساس، قوه قضائیه در راستای گام دوم انقلاب اسلامی و حرکت تحول خواه در دستگاه قضایی پیرامون سمن ها در واپسین روزهای سال ۱۳۹۸، اقدام به تهیه و تنظیم دستورالعمل «نحوه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضائیه» در راستای تقویت حضور فعالانه آنان در سیاست جنایی جامعوی (غیر دولتی) نمود. این دستورالعمل، محورهای متعدد و مختلفی را پیش روی کنشگران سیستم عدالت کیفری و سمن ها قرار داد. در این نوشتار، هدف بر آن است که با روش توصیفی - تحلیلی، سیاست کیفری مشارکتی در حمایت از بزهدیدگان را در پرتو دستورالعمل مذکور، مورد بررسی قرار داد و علاوه بر مرتفع نمودن نقاط مبهم در جهت اجرای هدفمند دستورالعمل در مقام عمل به ارائه افق های نوین و مؤثری منتهی و منتج گردد.

**کلید واژه ها:** بزهدیده، حمایت، دستورالعمل، سیاست کیفری مشارکتی.

amirhashemzade110@gmail.com

dr\_hajidehabadi@yahoo.com

۱. قاضی دادگستری و دانشجوی دوره دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه قم (نویسنده مسئول).

۲. دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه دولتی قم.

نقش و جایگاه مردم و جامعه مدنی در دایره‌ی علوم جنایی و پاسخ به پدیده مجرمانه همواره متغیر بوده و در تاریخ عدالت کیفری وضعیت یکسانی را پشت سر نگذاشته است. از دوران ابتدایی، مواجهه جوامع با جرم که با انتقام‌گیری خصوصی و سپس دادگستری خصوصی آغاز گردیده تا دوران روزگاران نزدیک‌تر که عرصه مداخله انحصاری حاکمیت‌ها و دولت‌ها در عرصه کیفری بوده است، بی‌شک نقش طرفین و اصحاب درگیر در فرآیند کیفری اعم از بزه‌کاران، بزه‌دیده، نزدیکان آن دو، جامعه محلی، دولت، نهادها و تشکلهای عمومی و خصوصی با تغییرات شگرفی مواجه شده است. با ناکارآمدی روزافزون این نظام عدالت کیفری بزه‌کارمدار و بالا رفتن آمار جرم در قرن بیستم و افزایش رقم سیاه بزهکاری و همچنین سرخوردگی و دل‌سردی هرچه بیشتر بزه‌دیدگان از نظام عدالت کیفری رسمی، از نیمه‌های قرن بیستم اندیشمندان علوم جنایی با چرخشی محسوس به سوی بزه دیدگان متمایل شدند و پس از کنکاش در نقش بزه‌دیده در تکوین پدیده مجرمانه به این نتیجه رسیدند که اصولاً هیچ سیاست جنایی نمی‌تواند و نباید بدون توجه به بزه‌دیدگان طراحی و اجرا گردد. بدین ترتیب، اندیشه حمایت از بزه‌دیدگان که خود ریشه در اندیشه‌های حقوق بشری قرن بیستم دارد به جنبشی نوین بدل گشت که چه در سطح ملی و در بسیاری از کشورها و چه در سطح بین‌المللی در عرصه سیاست‌گذاری جنایی و قانون‌گذاری نشان‌های بسیاری از آن را می‌توان مشاهده نمود (بیرانوند و سبزیان فرد، ۱۳۹۷: ۱).

حال این سؤال مطرح است که آیا حاکمیت‌ها، نقش مشارکت مردمی را در کاهش نرخ جرائم پذیرفته‌اند؟ امروزه، جای هیچ شک و تردیدی نیست که هیچ سیاست جنایی چه در عرصه تدوین و برنامه‌ریزی و چه در مرحله اجرا بدون مشارکت مردم و جامعه مدنی قابل اجرا و اعمال نیست. حتی بهترین برنامه‌ها و سیاست‌های دولتی بدون روی خوش نشان دادن مردم و به کارگیری جامعه مدنی تنها کاغذ پاره‌هایی می‌مانند که هیچ‌گاه در مقام عمل به منصفی ظهور نخواهند پیوست.

این امر، در خصوص بزه‌دیدگان که خود از بطن جامعه مدنی و مردم هستند نیز کاملاً صادق است. به عبارت دیگر، حمایت از بزه‌دیدگان بدون توسل به مشارکت عامه مردم و جامعه مدنی به هیچ روی امکان‌پذیر نخواهد بود. بی‌شک، عصر تفکیک کامل میان وظایف و کارکردهای حاکمیت و مردم به سر آمده است. دولت‌های حجیم با سیاهه‌ای بی‌شمار از اعمال حاکمیتی و اعمال تصدی با چالشی جدی مواجه شده‌اند و در مقابل، در اکثریت جوامع متمدن معاصر جامعه مدنی دیگر نه آن مردمان منفعل و مطیع گذشته و نه حتی تنها ناظران بر اعمال دولت‌ها بلکه امروزه به عنوان عناصری فعال و دخیل در تمامی جنبه‌های اجتماعی سیاسی اقتصادی و دنیای مدرن تبدیل گشته‌اند (بنایی بابازاده، ۱۳۹۶: ۲۱).

مشارکت مردم به گونه‌های مختلف در اداره امور از اهمیتی والا برخوردار است. امروزه برای برنامه‌ریزان تکیه بر الگوهای توسعه درون‌زا و خودیار، امری ضروری است. زیرا اگر الگوی مدیریت مشارکتی اجرا شود افراد جامعه خلاقیت و تلاش خود را به کار می‌گیرند تا هر کدام نظر اصلاحی برای ایجاد امنیت اجتماعی بدهند. در واقع می‌توان گفت که یک نوع ارتباط دو سویه و تعاملی به وجود می‌آید که از سوی هیچ دولتی قابل انکار نیست.

در باب بررسی پیشینه تحقیق حاضر بایستی بیان داشت که تحقیقات و مقالات موجود، در خصوص نقش سازمان‌های مردم نهاد در پیشگیری مشارکتی از جرائم مانع اطفال به طور خاص و نحوه‌ی حضور سازمان‌های مردم نهاد در فرآیند کیفری در پرتو قانون آئین دادرسی کیفری در راستای ماده‌ی ۶۶ قانون مذکور تألیفات و نکاتی را ارائه نموده‌اند، لکن در خصوص دستورالعمل نحوه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضاییه و ارتباط آن با تقویت حضور فعال و مؤثر سازمان‌های مردم نهاد در فرآیند

کیفری مطلب یا مقاله‌ای یافت نگردید که همین امر خود ضرورت بحث، بررسی و مذاقه در دستور العمل مذکور و ارائه افق‌های عملی کارآمد از رهگذر آن در باب استفاده هرچه بیشتر از سازمان‌های مردم نهاد در کاهش نرخ بزه را به روشنی آشکار می‌سازد. با توجه به بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی از سوی مقام معظم رهبری و اراده دستگاه قضایی جهت تحول قوه قضاییه، بی‌تردید مسئله مشارکت نهادهای مردمی امری ضروری و غیرقابل انکار است. ریاست قوه قضاییه به منظور توجه نظام‌مند، پایدار و دانش بنیان به ظرفیت‌ها و توانمندی نهادهای مردمی برای مشارکت در زمینه‌های سیاست‌گذاری قضایی، پیشگیری از وقوع جرم، حمایت از بزه‌دیدگان، میانجی‌گری و صلح و سازش، نظارت بر اجرای قوانین، رسیدگی و باز اجتماعی شدن متهمان و مجرمان، با عنایت به تأکید مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) مبنی بر مردمی بودن برنامه‌های تحولی قوه قضاییه و نظر به اصول قانون اساسی خصوصاً اصول سوم و هشتم و اهمیت مشارکت مردم و ظرفیت گسترده نهادهای مردمی و در اجرای اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی و قوانین و مقررات مذکور، دستورالعملی تحت عنوان «دستورالعمل نحوه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضاییه» را در مورخه ۱۳۹۸/۱۲/۶ طی شماره ۹۰۰۰/۲۱۲۷۳۱/۱۰۰ صادر کرد.

## ۱- مفاهیم بنیادین

پیش از آن که به جلوه‌های مشارکت حمایت از بزه‌دیدگان در دستورالعمل نحوه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضاییه بپردازیم، ضرورت دارد تا با موازین علمی و مفاهیم زیربنایی موضوع مورد بحث آشنا گردیم. در این رابطه در باب روش ساختاری نوشتار حاضر، در گام نخست، به ارائه تعریف اصطلاحات و تنقیح مبانی مرتبط با سیاست کیفری مشارکتی در قبال سازمان‌های مردم نهاد توجه خواهیم نمود و سپس به تحلیل و تشریح ساختار حاکم بر دستورالعمل می‌پردازیم.

### ۱-۱- اصطلاحات

به منظور ارتباط هرچه بهتر ذهن مخاطب، با مطالب و مباحث مندرج در این نوشتار، می‌بایست به واژگان کلیدی و اساسی آن - هرچند به اختصار - پرداخت تا تأثیر مؤثر و مناسب‌تری بر جای گذارد.

#### ۱-۱-۱- سازمان مردم نهاد (سمن)

سازمان‌های غیر دولتی<sup>۱</sup> مهم‌ترین نهاد مدنی و لازمه جامعه مدنی هستند و مشارکت‌های مردمی را می‌توانند سازمان‌دهی و نهادینه کنند. سازمان‌های غیر دولتی، ابتدا در زمان قانون برنامه سوم توسعه نام برده شد و در آن تمام نقش‌های جامعه مدنی برای پیشگیری و جلوه مشارکت مدنی در پیشگیری از وقوع جرم برای این سازمان‌ها، تدوین شد (گلشن فومنی، ۱۳۷۹: ۳۷). با این توضیح، سازمان مردم‌نهاد به سازمان‌هایی اطلاق می‌شود که توسط مردم و برای رفع یک مشکل جمعی شکل می‌گیرد. واژه سازمان مردم نهاد (سمن) از سوی فرهنگستان زبان فارسی و پس از آغاز کار دولت نهم به جای واژه سازمان غیردولتی مورد استفاده قرار گرفت. سازمان مردم نهاد یا سمن‌ها به سازمانی اشاره می‌کند که مستقیماً بخشی از ساختار دولت محسوب نمی‌شود اما نقش بسیار مهمی به عنوان واسطه بین فرد، مردم و قوای حاکم ایفا می‌کند. بسیاری از سازمان‌های مردم نهاد غیرانتفاعی هستند. بودجه این سازمان‌ها از طریق کمک‌های مردمی یا سازمان‌های دولتی تأمین می‌گردد. بعضی از سازمان‌های مردم نهاد نیمه مستقل وظایف و کارهای دولتی را نیز انجام می‌دهند. برخی از سازمان‌ها هیچ علاقه‌ای به سیاست ندارند. این در حالی است که برخی از آن‌ها به

<sup>۱</sup> Non- governmental Organizatoion.

منظور تأمین منافع اعضای خود صرفاً به لابی‌گری در دولت می‌پردازند. از آنجاکه اصطلاح سازمان مردم‌نهاد بسیار کلی است، بسیاری از این سازمان‌ها ترجیح می‌دهند از اصطلاح نهادهای خیریه استفاده کنند (محمد نسل، ۱۳۸۹: ۴۷).

در بند الف ماده یک دستورالعمل، نهادهای مردمی این چنین تعریف شده است: «نهادهایی که به صورت داوطلبانه، غیردولتی، غیرانتفاعی، غیرسیاسی و با مجوز یکی از مراجع ذیصلاح فعالیت می‌کنند؛ از قبیل مساجد، سازمان‌ها و تشکل‌های مردم‌نهاد، هیئت‌های مذهبی، گروه‌های تبلیغی و سازندگی، انجمن‌های علمی، خیریه‌ها و بقاع متبرکه» و بلافاصله در بند ب همین ماده از نهادهای مردمی همکار این چنین تعبیر می‌کند: «نهادهایی هستند که برای نقش‌آفرینی در چارچوب این دستورالعمل تمایل به همکاری دارند و معاونت پیشگیری با همکاری مراجع مرتبط، موضوع و محدوده جغرافیایی فعالیت آن‌ها را پس از احراز شاخص‌های مربوطه، تعیین و به مراجع مسئول ابلاغ می‌نماید.

#### ۱-۱-۲- بزه‌دیده

بزه‌دیده در اصطلاح به شخصی گفته می‌شود که به دنبال رویداد یک جرم، آسیب یا آزار می‌بیند. این آسیب می‌تواند به اشکال گوناگون مالی، بدنی، عاطفی، روحی و (...) باشد. برای مثال، شخصی که حمله خشونت‌آمیز، تجربه‌ی آزار جنسی یا سرقت را دارد، بزه‌دیده تلقی می‌شود. در مواقعی اعضای خانواده فرد نیز قربانی یا بزه‌دیده می‌شوند و از این روست که گفته شده عمل مجرمانه ممکن است بزه‌دیدگان متفاوتی داشته باشد. از بعد حقوق بشری، بزه‌دیده به صورت واقعی و مستقیم به وسیله فعل یا عقیده‌ای مورد تعرض قرار گرفته و باید از حقوق حمایتی بهره‌مند شوند.

«کنوانسیون اروپایی حمایت از بزه‌دیدگان جرایم خشونت‌آمیز» و «کنوانسیون اروپایی حقوق بشر» بر این مهم تأکید کردند که بزه‌دیده در حالت خطر قرار دارد و باید متمتع از حقوق حمایتی باشد. آسیبی که به بزه‌دیده وارد می‌شود ممکن است ناشی از فعل یا ترک فعل باشد اما عنصر دیگری که در تعریف بزه‌دیده باید لحاظ شود آن است که وی به لحاظ ارتکاب عمل مجرمانه شدیداً رنج می‌برد. بدین لحاظ می‌توان گفت بزه‌دیده شخصی است که از یک حمله خشونت‌آمیز، یک تجربه آزار جنسی یا سرقت آسیب می‌بیند (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰: ۱۵). در ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری، بزه‌دیده این گونه تعریف شده است: «بزه‌دیده شخصی است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می‌گردد و چنانچه تعقیب مرتکب را درخواست کند، «شاکی» و هرگاه جبران ضرر و زیان وارده را مطالبه کند، «مدعی خصوصی» نامیده می‌شود». در بند پ ماده یک دستورالعمل به تشریح بزه‌دیده گان خاص که گروه هدف می‌باشند شامل: زنان، کودکان، سالمندان، افراد محجور یا مجنون (موضوع مواد ۷۱ و ۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری) یا دارای معلولیت (موضوع بند الف ماده ۱ قانون حمایت از حقوق معلولان مصوب ۱۳۹۷) و افراد تحت پوشش نهادها و مؤسسات حمایتی که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان شده‌اند.

#### ۱-۱-۳- حمایت

حمایت واژه‌ای است عربی که از این زبان به زبان فارسی راه یافته است. در کتاب‌های لغت فارسی، حمایت به معنی مأوا و ملجاء و در امنیت و آسایش قرار داشتن به کار رفته است (معین، ۱۳۷۵: ۲۱۳۷). در زبان انگلیسی برای حمایت واژه protection را به کار برده‌اند که همان معانی از آن استنباط می‌شود. به طور کلی، در نظام عدالت کیفری که مورد بحث ما می‌باشد حمایت به معنی مجموعه سازوکارهایی به کار بسته می‌شود که برای صیانت از حقوق انسان‌های درگیر در نظام عدالت کیفری به کار می‌روند.

#### ۱-۱-۴- سیاست جنایی مشارکتی

چنانچه سیاست جنایی به مفهوم مدرن، موسع و امروزی آن را گستره‌ای از تدابیر توسعه محوری بدانیم که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم کنش‌ها و واکنش‌های ماقبل پیشگیری، پیشگیرانه یا مداخله‌گر و سزادهنده و سرکوبگر را از سوی پیکره اجتماع در

رویاری با پدیده‌ی بزهکاری ساماندهی می‌کند، به روشنی و در درون این مفهوم، جایگاه همراهی، همسویی و مشارکت مردم را درمی‌یابیم، و به دیگر سخن، این مشارکت هم از شرایط لازم و مقتضی پیشگیری است و هم سیاست‌گذاری جنایی را در سزادهی و سرکوب همراهی می‌کند. وانگهی مشارکت مردم و نهادهای اجتماعی در پیشگیری از جرم یا همان سیاست جنایی مشارکتی، موضوعی است که امروزه با رشد فزاینده و روزافزون ناهنجاری‌های اجتماعی و جرایم و عدم کارآمدی روش‌های سنتی مبارزه با جرم، به عنوان یکی از موضوع‌های مهم و قابل توجه در قلمرو سیاست جنایی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. زیرا بدون تردید پیشگیری از وقوع جرم می‌تواند در تأمین امنیت فردی و اجتماعی بسیار مؤثر و مفید باشد.

اهمیت مشارکت شهروندان در سیاست جنایی به آن لحاظ است که قوانین و تدابیری که دولت برای سرکوبی و یا پیشگیری از جرم اتخاذ می‌کند در صورتی که از سوی مردم حمایت نشود در معرض خطر عدم اجرا و عدم استقرار قرار می‌گیرد (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۲۳۲). سیاست جنایی مشارکتی؛ یک سیاست جنایی همراه با مشارکت جامعه‌ی مدنی که در چارچوب آن اهرم‌ها و نهاد-های دیگر در کنار پلیس و دستگاه قضایی پاسخ به پدیده مجرمانه را سامان می‌بخشد. این همکاری و مشارکت، ضامن اعتبار بخشیدن طرح تنظیم شده قوای مقننه و مجریه در زمینه‌ی سیاست جنایی یا همان شرکت دادن مردم در مقابله با پدیده‌ی مجرمانه است. (شیعه علی و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۹۹)

## ۲-۱- ساختار دستورالعمل

دستورالعمل نحوه‌ی مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضائیه مشتمل بر ۵ فصل، ۵۴ ماده و ۱۸ تبصره در اسفند ماه ۱۳۹۸ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسیده و پس از ابلاغ مطابق با موازین لازم الاجراست. ساختار حاکم بر این دستورالعمل، به طور کلی به سه بخش قابل تقسیم است. در اینجا، به اختصار و اجمال به آن می‌پردازیم.

### ۱-۲-۱- اهداف

مطابق با ماده ۱ دستورالعمل، اهداف این دستورالعمل عبارتند از: الف- تقویت رویکرد مشارکت و افزایش تعامل نهادهای مردمی با قوه قضائیه ب- تسهیل عملکرد نهادهای مردمی در موضوعات این دستورالعمل؛ پ- ارتقای توانمندی و تقویت ظرفیت نهادهای مردمی؛ ت- بهره‌مندی از ظرفیت نهادهای مردمی در راستای تحقق اهداف قوه قضائیه. بی‌تردید، دستیابی به اغراض مذکور منوط به پذیرش درون‌سازمانی قوه قضائیه و به ویژه اشخاصی که در صف مشغول خدمت هستند، می‌باشد.

### ۱-۲-۲- مبانی

اساس و زیر بنای دستورالعمل مطابق با ماده‌ی ۳ در این موارد خلاصه می‌گردد: «الف- رعایت کرامت انسانی؛ ب- دفاع از حقوق و آزادی‌های مشروع؛ پ- حفظ و احیای حقوق عامه؛ ت- پیشگیری از وقوع جرم و مقابله با فساد؛ ث- بهره‌گیری از برنامه‌های عدالت ترمیمی و صلح و سازش؛ ج- مسئولیت‌پذیری، همبستگی و انسجام اجتماعی؛ چ- حمایت از محرومان و اقشار آسیب پذیر؛ ح- محرمانگی پرونده‌های قضایی و اطلاعات طرفین و احترام به حریم خصوصی اشخاص مرتبط با پرونده».

### ۱-۲-۳- موضوع

بر اساس ماده ۴ دستورالعمل، موضوع فعالیت نهادهای مردمی در اجرای این دستورالعمل عبارت است از: «مشارکت عمومی و همکاری در راستای صیانت از حقوق عامه، حمایت از حقوق شهروندی، پیشگیری و مقابله با فساد، دفاع از آزادی‌های مشروع، پیشگیری از وقوع جرم، میانجیگری، صلح و سازش، معاضدت حقوقی و روانشناختی، مددکاری اجتماعی، کارآفرینی اجتماعی، حمایت از حقوق بشر، سلامت، زنان، خانواده، اطفال و نوجوانان، بیماران یا اشخاص دارای ناتوانی جسمی و روانی، محیط

زیست، میراث فرهنگی، منابع طبیعی، امر به معروف و نهی از منکر، حمایت از بزه‌دیدگان و خانواده‌ی آن‌ها، همیاری بازپرورانه در اجرای مجازات‌های جایگزین حبس و معاضدت به محکومان و حمایت از خانواده آن‌ها می‌باشد.»

## ۲- جلوه‌های مشارکت حمایتی سمن‌ها در دستورالعمل

تشکل‌های مردمی در جامعه‌ی مدنی مهم‌ترین حلقه‌ی پیوست دولت و قشرهای گوناگون مردم به شمار می‌روند و به دلیل ماهیت مردمی خود می‌تواند در عرصه‌های گوناگون به بسیج توده‌های مردم بپردازد و از گنجینه‌های بی‌پایان توانایی‌ها و ظرفیت‌های بومی مردمی برای توسعه‌ی پایدار جامعه بهره گیرند. از این رو، وقتی اندیشه‌ی مشارکت در جامعه قوت می‌یابد که عناصر آزادی، آگاهی و حرکت داوطلبانه در آن جامعه حضور همیشگی داشته باشند. جامعه‌ی حقوقی هم از این قاعده مستثنی نیست و شرکت سازمان‌های مردم‌نهاد در فرآیند دادرسی یکی از اهداف قانون‌گذار در این زمینه و سیاست جنایی مشارکتی است. سازمان‌های غیردولتی در تصمیم‌گیری ملی و بین‌المللی جایگاه ویژه دارند و گستره‌ی نفوذ آن‌ها از مسائل فرهنگی، اقتصادی، امور بشردوستانه تا امور کیفری گسترده شده است.

از این منظر، سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها) برای همه‌ی دولت‌ها سرمایه‌ی اجتماعی به شمار می‌روند و دارای ظرفیتی اجتماعی‌اند که دولت‌ها می‌توانند از آن استفاده کنند. در این میان، به ویژه نباید از نقش سازمان‌های مردم‌نهاد حامی حقوق بزه‌دیدگان غافل شد. این سازمان‌ها که هویت و شخصیت مستقل دارند با مشارکت و مسئولیت‌پذیری می‌تواند اقدامات مختلفی در سطوح کلان و تصمیم‌گیری‌ها و بخش‌های مختلف و قانون‌گذاری و اجرایی کشور در جهت حفظ حقوق بزه‌دیدگان انجام دهند. (شیدائیان و دیگران، ۱۳۹۸: ۴۲)

بدون تردید یکی از جلوه‌های بسیار بارز مشارکت مردم در عرصه فعالیت‌های عمومی تأسیس و اقدام سازمان‌های مردم‌نهاد هستند که به مفهوم امروزی خود در سال‌های پایانی قرن نوزدهم در اروپا شکل گرفتند و در عرصه‌های مختلف در سطح‌های متفاوت ملی منطقه و بین‌المللی شروع به فعالیت نمودند. سیاست‌گذاران جنایی در کشورهای مختلف و در سطح منطقه و بین‌المللی با استقبال از حضور این گونه سازمان‌های مردم‌نهاد که مبنای این حضور در رسیدگی‌های کیفری، حمایت از بزه‌دیدگان است. امروزه موفقیت و کارکرد مناسب این سازمان‌ها بر بر هیچ‌کس پوشیده نیست. حمایت از بزه‌دیدگان هم یکی از عرصه‌هایی بوده است که سازمان‌های مردم‌نهاد از همان بدو آغاز فعالیت خود بدان پرداخته‌اند. البته در دهه‌های پایانی قرن بیستم به شکل گسترده‌تر و تخصصی‌تر می‌توان بسیاری از سازمان‌های مردم‌نهاد را مشاهده نمود که حمایت از بزه‌دیدگان را به عنوان موضوع انحصاری فعالیت خود انتخاب نمودند و در این حوزه به موفقیت‌های زیادی نائل گشتند. سازمان‌های مردم‌نهاد صرفاً یک مشاوره دهنده‌ی ساده به بزه‌دیدگان برای احقاق حقوق از دست رفته‌شان نیست، بلکه به عنوان کنشگری فعال که می‌تواند در فرآیند عدالت از جمله فرایند عدالت کیفری وارد گشته و به حمایت از بزه‌دیدگان بپردازد، شناخته می‌شود که در این راستا ماده‌ی ۶۶ اصلاحی قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مورد تصویب مقنن قرار گرفته است.

---

۱. ماده ۶۶ قانون آئین دادرسی کیفری (اصلاحی ۱۳۹۴): سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه‌ی آن‌ها در زمینه‌ی حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و دارای ناتوانی جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند. تبصره‌ی ۱ در صورتی که جرم واقع شده دارای بزه‌دیده‌ی خاص باشد، کسب رضایت وی جهت اقدام مطابق این ماده ضروری است. چنانچه بزه‌دیده طفل، مجنون و یا در جرائم مالی سفیه باشند، رضایت ولی، قیم یا سرپرست قانونی او اخذ می‌شود. اگر ولی، قیم یا سرپرست قانونی، خود مرتکب جرم شده باشد، سازمان‌های مذکور با اخذ رضایت قیم اتفاقی یا تأیید دادستان، اقدامات لازم را انجام می‌دهند. تبصره ۲. ضابطان دادگستری و مقامات قضایی مکلفند بزه‌دیدگان جرائم موضوع این ماده را از کمک سازمان‌های مردم‌نهاد مربوطه، آگاه کنند. تبصره ۳. اسامی سازمان‌های مردم‌نهاد که می‌توانند در اجرای این ماده اقدام

نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در راستای اندیشه‌ی نوین بزه‌دیده‌شناختی در حقوق کیفری و اندیشه‌ی سیاسی سیاست جنایی مشارکتی پیش‌بینی شده است؛ سیاست و نگرشی که بر مشارکت و حضور جامعه‌ی مدنی در عرصه‌های مختلف با برآیند کلی بنا شده است. بر مبنای همین سیاست، سازمان‌های مردم‌نهاد به عنوان جلوه‌ی بارز جامعه‌ی مدنی، نقش جدیدی برای مشارکت خود در قلمروی دادرسی کیفری یافته‌اند (خالقی، ۱۳۹۴: ۸۴).

جلوه‌های مشارکت در حمایت از بزه‌دیدگان، در دستورالعمل نحوه‌ی مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضائیه به طور مستقیم و غیرمستقیم قابل ارزیابی است. مبحث سوم از فصل چهارم دستورالعمل، به مشارکت در حمایت از بزه‌دیدگان به طور مشخص و دسته‌بندی شده اشاره نموده است؛ اما در برخی مواد به طور تلویحی جلوه‌های حمایت از بزه‌دیدگان از طریق مشارکت سمن‌ها ملموس است و ضرورت بررسی آن‌ها غیر قابل انکار می‌باشد.

## ۱-۲- جلوه‌های مستقیم مشارکت حمایتی

فصل چهارم دستورالعمل، به حوزه‌های مشارکت نهادهای مردمی اختصاص یافته است. حمایت از بزه‌دیدگان و سیاست کیفری مشارکت سمن‌ها در این رابطه در مبحث سوم از فصل چهارم گنجانده شده است. مواد ۲۰، ۲۱ و ۲۲ دستورالعمل به این امر پرداخته است که در قالب جلوه‌های مستقیم مشارکت به شکل عام و خاص قابل تقسیم‌بندی و بررسی است.

### ۱-۱-۲- جلوه‌های مستقیم عام

در بعد اجتماعی مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی، روابط متقابل، شبکه‌ها، مشارکت، آگاهی عمومی، انسجام اجتماعی و مسئولیت اجتماعی مطرح است. برخی در تعریف بعد اجتماعی اعلام کرده‌اند سرمایه اجتماعی، همچون مفاهیم سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی به ویژگی‌های سازمان اجتماعی از قبیل شبکه‌ها، هنجارها، اعتماد و (...) اشاره دارند که هماهنگی و همکاری برای کسب سود متقابل را تسهیل می‌کند (فیروزآبادی و ناطق‌پور، ۱۳۸۴: ۸۶). اعتماد عبارت است از تمایل به خطرپذیری در بطن جامعه بر اساس حس اعتماد به دیگران به این شکل که دیگران بر اساس انتظار ما پاسخ خواهند داد و به روش حمایتی دو جانبه عمل خواهند کرد یا لاقصد آزار دادن ندارند. اعتماد مهم‌ترین شاخص سرمایه اجتماعی است. به جهت اهمیت زیاد این مفهوم در زندگی اجتماعی انسان، اندیشمندان بسیاری آن را بررسی و واکاوی کرده‌اند. بی‌اعتمادی پدیده‌ای روانشناختی است که به موجب آن فرد اطمینان به خود و دیگران را از دست می‌دهد و به ناتوانایی خود اذعان می‌کند. بی‌اعتمادی توان فراست و خلاقیت را از فرد و گروه می‌گیرد و او را به موجودی بی‌تحرك و خنثی تبدیل می‌کند (ستوده، ۱۳۸۱: ۱۵).

سازمان‌های مردم‌نهاد با سرمایه‌ی اجتماعی بسیار ارتباط دارد. میزان مشارکت افراد در انواع سازمان‌های اجتماعی و شبکه‌های رسمی و غیر رسمی هر جامعه اعم از مدرن و سنتی وجود دارد. شبکه‌ها دو نوع‌اند؛ عمودی و افقی. در شبکه‌های افقی، شهروندانی عضو هستند که وضعیت ایشان برابر است و در شبکه‌های عمودی، شهروندانی عضوند که در وضعیتی نابرابر به سر

---

کنند، در سه ماه ابتدای هر سال توسط وزیر دادگستری با همکاری وزارت کشور تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد (لازم به ذکر است که این تبصره با بند پ ماده ۳۸ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب ۱۳۹۵ در باب نحوه‌ی تصویب سازمان‌های مردم‌نهاد مربوطه دستخوش اصلاحاتی به شرح ذیل شده است: سازمان‌های مردم‌نهاد در صورتی می‌توانند از حق مذکور در ماده‌ی ۶۶ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ استفاده کنند که از مراجع ذیصلاح قانونی ذیربط مجوز اخذ کنند و اگر سه بار متوالی اعلام جرم یک سازمان مردم‌نهاد در محاکم صالحه به طور قطعی رد شود، برای یک سال از استفاده از حق مذکور در ماده‌ی ۶۶ قانون ذکر شده، محروم می‌شوند. این بند جایگزین تبصره‌ی ۳ ماده ۶۶ قانون اخیرالذکر می‌شود). تبصره ۴. اجرای این ماده با رعایت اصل یکصد و شصت و پنجم قانون اساسی است و در جرائم منافی عفت سازمان‌های مردم‌نهاد موضوع این ماده می‌توانند با رعایت ماده ۱۰۲ این قانون و تبصره‌های آن تنها اعلام جرم نموده و دلایل خود را به مراجع قضایی ارائه دهند و حق شرکت در جلسات را ندارند.

می‌برند (امیری، ۱۳۸۸: ۵۸). بنابراین لازم است با فرهنگ‌سازی و معرفی نقش و کارکردهای مثبت سمن‌ها در جامعه، این سازمان‌ها را به مردم معرفی کرد و باعث افزایش اعتماد و گرایش مردم به سمت آن‌ها شد.

دستورالعمل نحوه‌ی مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضائیه، گامی مؤثر از سوی حاکمیت برای تعرفه سمن‌ها و افزایش آگاهی و اعتماد عمومی جامعه به کارکرد نهادهای مردمی در عرصه سیستم عدالت کیفری است. حمایت از بزه‌دیدگان از سوی سمن‌ها به طور مستقیم، در دو زمینه: ۱- آگاه‌سازی و اطلاع‌رسانی ۲- همکاری و همراهی تعریف شده است. سمن‌ها به طور کلی و نسبت به عموم بزه‌دیدگان در این چارچوب‌ها اقدام به ارائه خدمات می‌نمایند.

## ۲-۱-۱-۱- آگاه‌سازی و اطلاع‌رسانی

کارکرد آموزشی سازمان‌های مردم‌نهاد می‌تواند به نفع بزه‌دیدگان باشد. آگاه‌سازی بزه‌دیدگان و آموزش آن‌ها در برگیرنده‌ی اطلاع‌رسانی به آن‌ها درباره‌ی حقوق و تکالیف قانونی‌شان است. مباحث حقوقی، معمولاً دشوار و پیچیده‌اند. بنابراین، لازم است سازمان‌ها اطلاعات حقوقی را به زبانی ساده در اختیار بزه‌دیدگان قرار دهند.

به موجب ماده‌ی ۲۰ دستورالعمل، قضات و ضابطان دادگستری می‌توانند زمینه ارائه خدمات آموزشی و مشاوره‌ای را برای بزه‌دیدگان خاص از سوی سمن‌ها ایجاد نمایند. محوریت خدمات آگاهی‌رسانی از سوی سمن‌ها برای بزه‌دیدگان شامل موارد ذیل است:

۱- چگونگی طرح شکایت و پیگیری آن در نهادهای انتظامی و قضایی موضوع مواد ۳۷ و ۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری؛  
۲- چگونگی مطالبه ضرر و زیان مادی و معنوی و منافع ممکن‌الحصول و پیگیری آن، موضوع ماده‌ی ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری؛

۳- مطلع ساختن بزه‌دیدگان نسبت به حقوق قانونی خود در فرآیند دادرسی موضوع ماده‌ی ۶ قانون آیین دادرسی کیفری؛  
۴- آگاه ساختن بزه‌دیدگان نسبت به حق درخواست جبران خسارت و بهره‌مندی از خدمات مشاوره موجود، موضوع ماده‌ی ۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری. البته، شایسته‌تر آن بود که به جای اعطای اختیار به قضات و ضابطین دادگستری در همکاری با سمن‌ها از نوعی انجام وظیفه و در قالب تکلیف سازمانی در دستورالعمل استفاده می‌شد.

## ۲-۱-۱-۲- همکاری و همراهی

بر اساس یافته‌های عدالت ترمیمی از سویی، می‌بایست نقش پر رنگی برای بزه‌کار در جبران خسارت و دل‌جویی از بزه‌دیده قائل شد و از سوی دیگر، جامعه را موظف در همراهی اصحاب دعوا برای رسیدن به گفت‌وگو مشترک و اصلاح ذات‌البین دانست. بی‌تردید سمن‌ها به عنوان نماینده‌ی اعضای جامعه که داوطلبانه وارد عرصه‌ی حقوق کیفری شدند، دارای ارزش والایی هستند. در این رابطه، قضات و ضابطین دادگستری به موجب ماده‌ی ۲۰ دستورالعمل می‌توانند موارد ذیل را در بستر همکاری و همراهی‌های سمن‌ها با بزه‌دیدگان فراهم آورند:

۱- مساعدت به بزه‌دیده در زمینه‌ی جمع‌آوری دلایل به منظور اثبات بزه‌دیدگی و تعیین میزان ضرر و زیان وارده، موضوع مواد ۶۲ و ۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری،

۲- کمک به جبران خسارت بزه‌دیدگان در صورت ناتوانی مرتکب، موضوع ماده‌ی ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری،

۳- مساعدت و همکاری در شناسایی و بازگرداندن اموال و اشیاء مکشوفه به بزه‌دیدگان، موضوع ماده‌ی ۱۴۸ قانون آیین

دادرسی کیفری،

۴- همراهی بزه‌دیده و شهود در جلسات رسیدگی و مواجهه حضوری با متهم.



در این موارد، دستورالعمل در قالب اختیار و نه به عنوان تکلیف سازمانی خطاب به قضات و ضابطین دادگستری اتخاذ تصمیم کرده که رویکرد مناسبی در ارج نهادن به سمن‌ها در سیستم عدالت کیفری نیست.

## ۲-۱-۲- جلوه‌های مستقیم خاص

به موجب مواد ۲۱ و ۲۲ دستورالعمل، نگاه خاصی به مشارکت در حمایت از بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان و بزه‌دیدگان محجور از سوی سمن‌ها شده است. طبیعتاً، وضعیت محجورین و نیز اطفال و نوجوانان به علت شرایط ویژه‌ی آنان موجب اتخاذ سیاست افتراقی دستورالعمل در حمایت از آنان از سایر بزه‌دیدگان شده است.

## ۲-۱-۲- ویژه اطفال و نوجوانان

از آن جا که سازمان‌های مردم نهاد فعالیت‌های خود را در زمینه‌های به خصوص متمرکز کرده‌اند، اطلاعات و تجربیات زیادی در این زمینه دارند و می‌توانند با ارائه راهکار و پیشنهادات حکومت را در سیاست گذاری‌های کلان کمک کنند (اقبال و کمالیان، ۱۳۹۰: ۵). ارائه‌ی پیشنهاد از سوی سازمان‌های مردم نهاد مسبق سابقه است. در ایران نیز می‌توان به قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ (به عنوان قانون سابق) و در تعاقب آن قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ اشاره کرد که رسالت آن جلوگیری و مقابله با پدیده بزه‌دیدگی کودکان است و با تلاش و پیگیری‌های «انجمن حمایت از کودکان» به تصویب رسید (زینالی، ۱۳۸۲: ۶۲). بر این اساس در ماده‌ی ۱۳ آیین‌نامه‌ی اجرایی تأسیس فعالیت سازمان‌های مردم نهاد مصوب تأکید شده است: «سازمان‌ها و مؤسسات دولتی و عمومی مکلفند در فرآیند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری نسبت به اخذ نظر سازمان‌های مردم نهاد اقدام و حسب مورد آن‌ها را برای شرکت در جلسات دعوت و گزارش از نقطه نظرات ارائه شده را در اسناد سازمان ذی‌ربط ثبت نمایند».

در اجرای قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ و بعد از آن قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳ و ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی و بر اساس ماده‌ی ۲۱ دستورالعمل، برای قضات و ضابطین دادگستری همکاری و استفاده از ظرفیت سمن‌ها برای مشارکت در حمایت از اطفال و نوجوانان بزه‌دیده یا در معرض خطر بزه-دیدگی به عنوان تکلیف سازمانی به موارد ذیل می‌توان اشاره نمود:

۱- همکاری با ضابطان دادگستری و مددکاران اجتماعی به بهیستی برای انجام تحقیقات در مورد کودک‌آزاری و در نظر گرفتن گزارش‌های نهادهای مردمی همکار در اتخاذ تصمیمات قضایی؛

۲- همکاری در اجرای دستورهای قضایی مبنی بر حمایت از اطفال و نوجوانان در معرض خطر بزه‌دیدگی؛

۳- شناسایی عوامل استثمار و بهره‌کشی از کودکان و نوجوانان و جمع‌آوری ادله‌ی جرم؛

۴- شناسایی و جمع‌آوری ادله‌ی مرتبط با خرید و فروش و به کارگیری کودکان و نوجوان به منظور ارتکاب اعمال خلاف قانون؛

۵- شناسایی و جمع‌آوری ادله مرتبط با اشخاص گروه‌ها و مؤسسات مرتکب قاچاق زنان و کودکان.

## ۲-۱-۲- تعیین قیم موقت

محرومیت یا عدم دسترسی به ولی یا قیم بزه‌دیدگان محجور و حتی در مواردی که بزه‌کار ولی یا قیم شخص محجور هستند؛ نباید موجب تضییع حقوق قانونی بزه‌دیدگان محجور را فراهم آورد. ماده‌ی ۷۰ قانون آئین دادرسی کیفری در این خصوص بیان می‌دارد: «در مواردی که تعقیب کیفری، منوط به شکایت شاکی است و بزه‌دیده، محجور می‌باشد و ولی یا قیم نداشته یا به آنان دسترسی ندارد و نصب قیم نیز موجب فوت وقت یا توجه ضرر به محجور شود، تا حضور و مداخله‌ی ولی یا قیم یا نصب قیم و

همچنین در صورتی که ولی یا قیم خود مرتکب جرم شده یا مداخله در آن داشته باشد، دادستان شخصی را به عنوان قیم موقت تعیین و یا خود امر کیفری را تعقیب می‌کند و اقدامات ضروری را برای حفظ و جمع‌آوری ادله جرم و جلوگیری از فرار متهم به عمل می‌آورد. این حکم در مواردی که بزه‌دیده، ولی و یا قیم او به عللی از قبیل بی‌هوشی قادر به شکایت نباشد نیز جاری است. تبصره- در خصوص شخص سفیه فقط در دعاوی کیفری که جنبه‌ی مالی دارد، رعایت ترتیب مذکور در این ماده الزامی است و در غیر موارد مالی، سفیه می‌تواند شخصاً طرح شکایت نماید.» به موجب ماده‌ی ۲۲ دستورالعمل، دادستان می‌تواند با رعایت ضوابط و مقررات قانونی نماینده‌ی سمن‌های همکار را به عنوان قیم موقت تعیین کند.

## ۲-۲- جلوه‌های غیر مستقیم مشارکت حمایتی

هر چند مبحث سوم از فصل چهارم دستورالعمل نحوه‌ی مشارکت و تعامل با نهادهای مردمی با قوه قضائیه، تحت عنوان «مشارکت در حمایت از بزه‌دیدگان» با محوریت آگاه‌سازی و همراهی بزه‌دیدگان، حمایت ویژه از اطفال و نوجوانان و تعیین قیم موقت ترسیم شده است؛ اما در سایر مباحث دستورالعمل، می‌توان ردپای حمایت از بزه‌دیدگان را حس کرد. بنابراین، تشریح این موارد، جهت تنقیح مطلب ضروری به نظر می‌رسد.

## ۲-۲-۱- مشارکت در میانجی‌گری و سازش

اگر از مدعیان خصوصی که به مراجع قضایی مراجعه می‌نمایند سؤال شود که چه انگیزه‌ای آنان را به اقامه‌ی دعوا واداشته است، احقاق حق در صدر پاسخ‌ها خواهد بود. حال اگر این سؤال مطرح شود که چنانچه طریقه دیگری برای شاکی خصوصی یافت شود که گذشته از رساندن وی به حقوقش، تبعات منفی مشکلات راه نخست را نداشته باشد، آیا باز هم وی بر طرح دعوا در مراجع مزبور اصرار خواهد ورزید، مسلماً پاسخ او منفی خواهد بود. راه یاد شده راهی جز میانجی‌گری میان مجرم و مجنی‌علیه در خصوص جرایم سبک، غیرعمدی، مادی و بالاحص در مواردی که میان آن دو روابط فامیلی، همسایگی یا حتی دوستانه وجود داشته باشد، هم به مصلحت بزه‌دیده و هم به صلاح جامعه است. خدمتی که این روش به جامعه می‌نماید آن است که مانع گسستن روابط اجتماعی شده، گام مهمی در جهت قضازدایی و حل و فصل دوستانه‌ی دعاوی تلقی می‌شود. از سوی دیگر، موجب تقلیل پرونده و سبک شدن کار مراجع قضایی و انتظامی شده، اهتمام و پیگیری آنان را در مورد جرایم مهم تقویت و تسریع می‌نماید.

میانجی‌گری در موارد یاد شده، حقوق بزه‌دیده را بدون صرف هزینه و در زمانی سریع‌تر و بدون وارد نمودن لطمات روحی و اجتماعی که غالباً در محکمه‌ی قضایی به شخصیت مجرم و مجنی‌علیه وارد می‌شود و به ویژه بدون ایجاد انگیزه‌های انتقامی و کینه‌توزانه که حاصل مراجعه به محاکم قضایی است، تأمین می‌نماید. لذا به نظر می‌رسد، میانجی‌گری از عالی‌ترین مصادیق حمایت از بزه‌دیدگان محسوب شده و باید مورد توجه مقام‌های سیاست‌جنایی هر جامعه واقع شود (توجیهی، ۱۳۷۸: ۳۷).

به موجب ماده‌ی ۲۳ دستورالعمل، ضابطان دادگستری در اجرای دستور مقام قضایی مبنی بر بررسی امکان صلح و سازش و اخذ رضایت بزه‌دیدگان، ضمن بهره‌گیری از تجربه و مهارت واحدهای مددکاری و مشاوره کلانتری‌ها، از ظرفیت‌های نهادهای مردمی همکار در ایجاد صلح و سازش استفاده کند.

در اجرای ماده‌ی ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده‌ی ۵ آیین نامه میانجی‌گری در امور کیفری، مقام قضایی در صورت توافق طرفین، پرونده را به یکی از نهادهای مردمی همکار و مورد توافق به منظور ارائه خدمات زیر ارجاع دهد:

«۱- جلب رضایت طرفین دعوی برای ورود به فرآیند میانجی‌گری و حصول توافق؛ ۲- نظارت بر رعایت و تضمین حقوق طرفین دعوی در فرآیند میانجی‌گری؛ ۳- انجام میانجی‌گری در صورت توافق طرفین مطابق قوانین و مقررات؛ ۴- ترغیب مقصر به پذیرش مسئولیت عمل ارتكابی و جبران خسارت‌های وارده؛ ۵- مساعدت به مرتکب برای جبران خسارت‌های وارده؛ ۶- همراهی و حمایت از طرفین دعوی در فرآیند گفتگو و میانجی‌گری؛ ۷- نظارت بر انجام تعهدات پذیرفته شده از سوی مرتکب.»

هم چنین، قضات دادسرا و دادگاه‌های کیفری می‌توانند در کلیه جرایم قابل گذشت و جنبه‌ی خصوصی جرایم غیر قابل گذشت، در صورت توافق طرفین دعوی، به منظور ایجاد صلح و سازش، پس از اخذ تأمین کیفری مناسب، موضوع را به یکی از نهادهای مردمی همکار و مورد توافق ارجاع داده و نتیجه‌ی صلح و سازش را به صورت مشروح و با ذکر دلایل آن، به موجب صورت جلسه‌ای که به امضای نهاد مردمی تعیین شده برای صلح و سازش و طرفین می‌رسد، برای بررسی و تأیید و اقدامات بعدی، حسب مورد، نزد مقام قضایی مربوط ارسال نمایند. در صورت حصول توافق، ذکر تعهدات طرفین و چگونگی انجام آن‌ها در صورت مجلس الزامی است. علاوه بر این، شوراها، امکان پیگیری فرآیند صلح و سازش از طریق نهادهای مردمی همکار را به طرفین دعوی پیشنهاد نمایند.

#### ۲-۲-۲- مشارکت در فرآیند رسیدگی

قانون‌گذار در ماده‌ی ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات ۱۳۹۴ به نقش حمایتی سازمان‌های مردم نهاد از بزه‌دیدگان پرداخته و به حمایت کیفری شکلی از بزه‌دیدگان اشاره کرده است. حمایت شکلی عبارت است از پیش‌بینی سازوکارهایی برای احقاق حقوق بزه‌دیده در چارچوب قانون که بدین اعتبار می‌توان از آن به سازوکارهای آیین دادرسی مدار نیز یاد کرد (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴: ۹۱). حمایت از بزه‌دیدگان در بزه‌دیده‌شناسی حمایتی بررسی می‌شود. بزه‌دیده‌شناسی حمایتی بر این اندیشه استوار است که جامعه به طور کلی و نظام قضایی به طور خاص، باید در همه لایه‌های خود (مشارکتی، اجرایی، قانونگذاری و ...) توجه به حقوق شایسته و نیازهای بایسته بزه‌دیده را لحاظ کند و به ترمیم آسیب‌دیدگی و جبران آثار بزه‌دیدگی آنان بپردازد. واژه بزه‌دیده هم در بردارنده‌ی بزه‌دیدگان مستقیم است هم بزه‌دیدگان غیرمستقیم. به سخن دیگر، این واژه نه تنها خود بزه‌دیده بلکه خانواده بی‌واسطه (درجه یک) یا بستگان بزه‌دیده مستقیم و شخصی را که در جریان کمک به بزه‌دیدگان مصیبت دیده یا در جریان پیشگیری از بزه‌دیدگی به آسیب دچار شده‌اند (بزه‌دیدگان غیرمستقیم) دربر می‌گیرد. مسئولیت اجتماعی را می‌توان به عنوان مبنایی برای توجیه حضور و مشارکت سمن‌ها در دادرسی کیفری محسوب کرد (رمضانی قوام آبادی، ۱۳۹۶: ۱۴۵).

طبق ماده‌ی ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری حوزه‌ی فعالیت این سازمان‌ها حصری و احصا شده است و شامل سازمان‌هایی است که اساسنامه‌ی آن‌ها در زمینه‌ی حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، بیماران و ناتوانان ذهنی یا جسمی، منابع طبیعی، محیط زیست، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حقوق شهروندان است و شامل سایر حوزه‌ها مانند حمایت از اشخاص مستمند و زندانیان نمی‌شود. در واقع، حوزه‌ی فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد شامل دو دسته جرایم بدون بزه‌دیده مانند جرایم علیه محیط زیست و جرایم با بزه‌دیده خاص مانند زنان و کودکان است (طهماسبی، ۱۳۹۴: ۱۱۰).

اگر جرمی بزه‌دیده خاص داشته باشد این سازمان‌ها برای حمایت کیفری از بزه‌دیدگان خاص باید از آن‌ها کسب رضایت کنند. تبصره ۱ ماده‌ی ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «در صورتی که جرم واقع شده دارای بزه‌دیده خاص باشد، کسب رضایت وی جهت اقدام مطابق ماده ضروری است. چنانچه بزه‌دیده طفل، مجنون و یا در جرائم مالی سفیه می‌باشد، رضایت ولی، قیم یا سرپرست قانونی او اخذ می‌شود. اگر ولی، قیم یا سرپرست قانونی خود مرتکب جرم شده باشد، سازمان‌های مذکور با اخذ

رضایت قیم اتفاقی یا تأیید دادستان اقدامات لازم را انجام می‌دهد». این شرط هماهنگ با ماده‌ی ۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ است که به موجب آن تعقیب متهم در جرائم قابل گذشت منوط به شکایت شاکی است.

وانگهی سازمان‌های مردم‌نهاد در صورتی می‌توانند طبق ماده‌ی ۶۶ از بزه‌دیدگان حمایت کیفری به عمل بیاورند که اولاً مجوز لازم را از مراجع مربوطه اخذ کند و ثانیاً اگر اعلام جرم آن‌ها سه بار متوالی رد شود تا یک سال نمی‌توانند از حق مذکور در ماده مذکور استفاده کنند. قانونگذار در سال ۱۳۹۵ با اصلاحاتی در تبصره ۳ ماده مذکور محدودیتی در قدرت سمن‌ها برای حمایت کیفری از بزه‌دیدگان ایجاد کرد و باعث تضعیف سرمایه اجتماعی آن‌ها شد. تبصره‌ی ۳ ماده‌ی ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری اصلاحی ۱۳۹۵ مقرر می‌دارد: «سازمان‌های مردم‌نهاد در صورتی می‌توانند از حق مذکور در ماده قانون آیین دادرسی کیفری مصوب استفاده کنند که از مراجع ذی‌صلاح قانونی ذی‌ربط مجوز اخذ کنند و اگر سه بار متوالی اعلام جرم یک سازمان مردم‌نهاد در محاکم صالحه به طور قطعی رد شود، برای یک سال از استفاده از حق مذکور در ماده قانون ذکر شده محروم می‌شوند». تبصره ۳ سابق مقرر می‌داشت اسامی سازمان‌های مردم‌نهاد در سه ماهه ابتدای هر سال توسط وزیر دادگستری و با تصویب رئیس قوه قضاییه اعلام شود. این نکته که بایستی برای حمایت از بزه‌دیدگان از سوی سازمان‌های مردم‌نهاد، این سازمان‌ها را تقویت نمود غیر قابل انکار است، لذا با اصلاحاتی که در سال ۱۳۹۴ صورت گرفت، قانون‌گذار از هدف اولیه خود در ماده‌ی مذکور، که عبارت بود از تقویت سرمایه اجتماعی سازمان‌های مردم‌نهاد برای حمایت از بزه‌دیدگان، دور شد.

ماده‌ی ۶۶ قانون کیفری مصوب ۱۳۹۲ تا قبل از اصلاحات ۱۳۹۴، چهار حق را برای سازمان‌های مردم‌نهاد در زمینه حمایت کیفری از بزه‌دیدگان در نظر گرفته بود: اعلام جرم، شرکت در مراحل دادرسی، اقامه‌ی دلیل و اعتراض به آراء. ماده‌ی مذکور تا پیش از اصلاحات ۱۳۹۴ مقرر می‌داشت: «سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه‌ی آن‌ها درباره‌ی حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و ناتوان ذهنی یا جسمی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است می‌توانند نسبت به جرایم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی جهت اقامه‌ی دلیل شرکت و نسبت به آراء مراجع قضایی اعتراض نمایند.» در اصلاحات سال ۱۳۹۴ دایره‌ی اختیارات این سازمان‌ها محدود به دو مورد اعلام جرم و شرکت در مراحل دادرسی شد. ماده‌ی مذکور به این شکل اصلاح شد: «سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه‌ی آن‌ها درباره‌ی حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و ناتوان ذهنی یا جسمی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است می‌توانند نسبت به جرم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی شرکت نمایند.» بیشتر سازمان‌های مردم‌نهاد به کمک اعضای خود یا اشخاص وابسته به خود اطلاعات مختلف را در زمینه‌ی کاری خود گردآوری می‌کنند و یا در اختیار دارند. مخاطبان این اطلاعات می‌توانند عموم جامعه یا قشر خاصی از آن، هم چون حقوقدانان یا پلیس یا (...) باشند (گلشن پژوه، ۱۳۸۵: ۷۲). یکی از کارکردهای مهم این اطلاعات در زمینه‌ی «رقم سیاه» بزه‌کاری و بزه‌دیدگی است. رقم عمده‌ای از بزه‌کار و بزه‌دیدگی از دید سازمان‌های مربوطه مانند دستگاه قضایی و ضابطین دادگستری و پنهان مانده است. سازمان‌های مردم‌نهاد که ارتباط نزدیکی با بزه‌دیدگان دارند می‌توانند در این خصوص اطلاعات گردآوری شده‌ی خود را در اختیار نهادهای قضایی قرار دهند و از این طریق از بزه‌دیدگان حمایت کنند. این موضوع در ماده‌ی ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات ۱۳۹۴ مورد تأکید قانون‌گذار قرار گرفته است. پس از اصلاحات سال ۱۳۹۴ حق اعتراض و اقامه‌ی دلیل از سمن‌ها گرفته شد و اکنون این سازمان فقط می‌توانند اعلام جرم و در مراحل دادرسی شرکت کنند.

انتقادی که می‌توان به قانون‌گذار وارد دانست این است که حق اعلام جرم حق ویژه و مختص سمن‌ها نیست و طبق بند ب ماده‌ی ۶۴ قانون دادرسی کیفری «ضابطین دادگستری، مقامات رسمی یا اشخاص موثق و مطمئن» هم اعلام جرم می‌کنند. بنابراین، اگر ماده‌ی ۶۶ نیز این حق را برای سمن‌ها پیش‌بینی نمی‌کرد طبق ماده‌ی ۶۴ طبیعتاً از این حق برخوردار بودند.

در سال ۱۳۹۴، تبصره‌ی ۴ به ماده‌ی ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری الحاق شد. طبق این تبصره «اجرای این ماده با رعایت اصل یکصد و شصت و پنجم قانون اساسی است و در جرائم منافی عفت سازمان‌های مردم‌نهاد موضوع این ماده می‌توانند با رعایت ماده‌ی ۱۰۲ این قانون و تبصره‌های آن تنها اعلام جرم نموده و دلایل خود را به مراجع قضایی ارائه دهد و حق شرکت در جلسات را ندارند». اصل یکصد و شصت و پنجم قانون اساسی، اصل را بر علنی بودن محاکمات می‌داند و استثنائات آن را برمی‌شمرد. طبق این اصل «محاکمات علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است مگر آن که به تشخیص دادگاه علنی بودن آن منافی با عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعای خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد». بنابراین، سازمان‌های مردم‌نهاد اصولاً حق شرکت در جلسات دادرسی را دارند؛ مگر در جرایم منافی عفت که حق شرکت در جلسات را ندارند و فقط می‌توانند اعلام جرم و دلایل خود را به مراجع قضایی صالحه ارائه نمایند. ایرادی که بر قانون‌گذار وارد است، این است که حق شرکت در مراحل دادرسی مختص سازمان‌های مردم‌نهاد و امتیاز ویژه‌ای محسوب نمی‌شود. طبق اصل یکصد و شصت و پنجم قانون اساسی اصولاً هر کسی می‌تواند در محاکمات حاضر شود (شیدائیان و دیگران، ۱۳۹۸: ۴۹).

به موجب ماده‌ی ۳۰ دستورالعمل، در چارچوب ماده‌ی ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده‌ی ۱۴ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، نهادهای مردمی که اساسنامه‌ی آن‌ها در زمینه‌ی حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار یا دارای ناتوانی جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی، حمایت از حقوق شهروندی و امر به معروف و نهی از منکر است و مطابق بند «پ» ماده‌ی ۳۸ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه‌ی کشور از یکی از مراجع ذیصلاح قانونی مجوز اخذ نموده‌اند، از حق اعلام جرم و شرکت در فرآیند دادرسی با رعایت الزامات و ملاحظات زیر برخوردار می‌باشند:

الف- اعلام جرم در موضوعات مندرج در ماده‌ی ۶۶ و ماده‌ی ۱۴ قانون حمایت از آمران معروف و ناهیان از منکر.

ب- ارائه‌ی پروانه‌ی فعالیت معتبر در موضوع اعلام جرم.

پ- عدم نیاز به ابطال تمبر در اعلام جرم.

ت- امکان شرکت در فرآیند رسیدگی و ارائه‌ی گزارش دلائل به استثناء موارد مندرج در ماده‌ی ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری.  
ث- در موارد صدور حکم برائت متهم، عدم انطباق رأی با قانون و یا عدم تناسب مجازات، نهاد مردمی اعلام‌کننده‌ی جرم می‌تواند دلایل لازم به دادستان مربوط ارائه و دادستان در صورت اقتناع، برابر موازین قانونی، نسبت به رأی صادره تجدیدنظرخواهی می‌نماید.

ج- به منظور اعمال بند «پ» ماده‌ی ۳۸ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه‌ی کشور، مرکز آمار و فناوری اطلاعات، محرومیت یک ساله از حق مذکور در ماده‌ی ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری را برای اعلام جرم مجدد نهاد مردمی که اعلام جرم آن در مراجع صالح سه مرتبه متوالی، رد قطعی گردیده، را در سامانه‌ی مربوط، جهت بهره‌برداری مراجع قضایی ثبت نماید. در صورت تعدد نهادهای مردمی اعلام‌کننده‌ی موضوع واحد، مشارکت اولین نهاد مردمی اعلام‌کننده در مراحل دادرسی کفایت می‌کند. علاوه بر این حسب ماده‌ی ۳۱ دستورالعمل، در صورت عدم اعلام جرم توسط نهادهای مردمی موضوع ماده‌ی ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده‌ی ۱۴ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، مقام قضایی می‌تواند رأساً از نهادهای مردمی همکار به عنوان مطلع دعوت به عمل آورد و قبل از ختم دادرسی، نظرات و ملاحظات ایشان را به صورت مکتوب دریافت و ثبت نماید.

## نتیجه گیری

ناکارآمدی سیستم عدالت، علی‌رغم ترسیم برنامه‌های مدون و به کارگیری ظرفیت‌های موجود از پاسخ‌دهی به پدیده‌ی مجرمانه و اصلاح بزه‌کاران موجب شده است که دولت‌ها با اظهار عجز و ناتوانی به سمت جامعه مدنی (سیاست جنایی جامعوی) متمایل گردند و با عقب‌گرد منطقی به سمت مشارکت با سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها) قدم بردارند. در این نوشتار سعی بر آن شد که در راستای دستورالعمل مورد بحث در مقام اقدامات عملی در باب حمایت از بزه‌دیدگان جرائم از سوی سازمان‌های مردم‌نهاد، افق‌های مؤثری شرح داده شود. مشارکت نهادهای مردمی به اشکال مختلف در حوزه‌ی حقوق کیفری قابل تصور است. بی‌تردید، حمایت از بزه‌دیدگان یکی از آرمان‌های سمن‌ها است. قوه قضائیه، در راستای نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ برای سازمان‌های مردم‌نهاد با ابلاغ دستورالعمل «نحوه‌ی مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضائیه» گام مؤثر برداشته است و افق‌های روشنی را در پیش روی اعتلای همکاری گروه‌ها و جمعیت‌های داوطلب مردمی گشوده است. هرچند ضرب آهنگ یکنواخت و منسجمی در اتخاذ رویکرد مناسب در قبال سمن‌ها از سوی ارکان قوه قضائیه، در صف و ستاد وجود ندارد؛ اما اهتمام بر برجسته نمودن جایگاه نهادهای مردمی در سراسر دستورالعمل قابل رؤیت است. به هر تقدیر، دستورالعمل با تمام نقاط ضعف و قوت خویش نوعی حرکت به سوی جلو است و اجرای موفقیت‌آمیز آن علاوه بر فرهنگ‌سازی و افزایش اعتماد عمومی به سمن‌ها، می‌تواند در آینده‌ای نه چندان دور الگوی مناسبی برای حوزه قانون‌گذاری باشد تا اقتدار و صلابت سمن‌ها تضمین گردد و مسیر موفقیت‌آمیز مداخله‌ی مردم با حکومت در پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین تسریع و تقویت گردد.

- ۱) بنائی بابازاده، امین (۱۳۹۶). سازمان‌های مردم نهاد از توسعه انسانی تا مشارکت مدنی، چاپ اول، تهران: نشر گاه معاصر.
- ۲) بیرانوند، رضا؛ سبزیان فرد، شهرام (۱۳۹۷). «جایگاه جامعه مدنی در حقوق کیفری با تأکید بر سیاست جنایی مشارکتی ایران»، مجله تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، دوره ۱۱، شماره ۳۹، صص ۱-۲۴.
- ۳) توجهی، عبدالعلی (۱۳۷۸). «سیاست جنایی حمایت از بزه‌دیدگان»، مجله مجتمع آموزش عالی قم، سال اول، شماره چهارم، صص ۲۷-۴۶.
- ۴) تیلا، پروانه (۱۳۸۹). شهروند، ملت و دولت مسئول، چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی.
- ۵) تیلا، پروانه (۱۳۸۳). «تأملی بر حقوق سازمان‌های غیردولتی در نگاهی ایرانی»، مرکز اطلاع رسانی حقوقی مهر، شماره ۵ و ۶.
- ۶) جمشیدی، علیرضا (۱۳۹۴). سیاست جنایی مشارکتی، چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان.
- ۷) جمشیدی، علیرضا (۱۳۸۸). «گفتمان پیش‌گیرانه سیاست جنایی مشارکتی در لوایح قضایی»، مجله تحقیقات حقوقی، ویژه‌نامه شماره یک، صص ۲۳۱-۲۵۶.
- ۸) چکنی، مصطفی؛ حسنی، محمدحسن (۱۳۹۷). «راهبردهای مشارکت سازمان‌های مردم نهاد در فرایند کیفری (نقد و تحلیل ماده ۶۶ قانون آئین دادرسی کیفری)»، مجله مجلس و راهبرد، سال ۲۵، شماره ۹، صص ۳۴۱-۳۶۷.
- ۹) حسینی، سید محمد (۱۳۸۳). سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران، چاپ نخست، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران و سمت.
- ۱۰) خالقی، علی (۱۳۹۶). نکته‌ها در قانون آئین دادرسی کیفری، چاپ نهم، تهران: انتشارات شهر دانش.
- ۱۱) رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۰). بزه‌دیده شناسی حمایتی، چاپ دوم، تهران: نشر دادگستر.
- ۱۲) رحمدل، منصور (۱۳۸۶). مشارکت مردم در فرآیند کیفری، چاپ اول، تهران: انتشارات شهر دانش.
- ۱۳) رستمی، ولی (۱۳۸۶). «مشارکت مردم در فرآیند کیفری (بررسی سیاست جنایی کشورهای غربی)»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۳۷، شماره ۲، صص ۱۳۹-۱۷۲.
- ۱۴) رستمی، ولی (۱۳۸۹). سیاست جنایی مشارکتی در جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه برای اخذ مدرک دکتری، رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه تهران.
- ۱۵) رضایی، حمزه؛ صفری، اسماعیل (۱۳۸۶). «سیاست کیفری ایران در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در قبال حمایت از بزه‌دیدگان»، مجله مطالعات حقوق، دوره ۲، شماره ۲۳، صص ۲۷۳-۲۹۶.
- ۱۶) رضایی قوام آبادی، محمدحسین (۱۳۹۶). «حضور سازمان‌های مردم نهاد در فرایند کیفری در پرتو قانون آئین دادرسی کیفری»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۱، شماره ۹۹، صص ۱۳۹-۱۶۷.
- ۱۷) رهامی، محسن؛ نجفی ابرند آبادی، علی حسین؛ حیدری، علیمراد (۱۳۸۷). جرائم بدون بزه دیده، چاپ اول، تهران: نشر میزان.

- ۱۸) زینالی، امیرحمزه (۱۳۸۷). «سرمایه اجتماعی: بستری برای اعمال کیفرهای اجتماع محور در ایران»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۷۲، شماره ۶۴، صص ۳۳-۵۴.
- ۱۹) ستوده، هدایت الله (۱۳۸۱). **آسیب شناسی اجتماعی**، تهران: آوا نور.
- ۲۰) شایگان، فریبا؛ حق نظری، محمدرضا (۱۳۹۵). «نقش مشارکت نهادهای مردمی در پیشگیری اجتماعی از جرم»، مجله پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، سال یازدهم، شماره ۴، صص ۳۳-۵۲.
- ۲۱) شیدائیان، مهدی؛ عسکری، مروت علی؛ واحدی، مسلم (۱۳۹۸). «مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در فرآیند دادرسی کیفری به منزله سرمایه اجتماعی»، مجله مدیریت سرمایه اجتماعی، دوره ششم، شماره یک، صص ۴۱-۵۸.
- ۲۲) شیعه علی، علی؛ زارع، وحید؛ زارع، مجتبی (۱۳۹۴). «جایگاه سیاست جنایی مشارکتی واکنشی در مرحله تعقیب کیفری در حقوق ایران»، مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره دوم، شماره ۴ و ۵، صص ۲۸۷-۳۱۰.
- ۲۳) طهماسبی، جواد (۱۳۹۴). **آیین دادرسی کیفری**، جلد اول، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- ۲۴) عمارتی نوش‌آبادی، محمد سالار (۱۳۸۸). **نقش جامعه مدنی در پیشگیری از جرم**، پایان‌نامه برای اخذ مدرک کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۲۵) کوشکی، غلامحسین (۱۳۹۲). «سازمان‌های غیر دولتی: از انفعال تا مشارکت رو به فعال در تعقیب دعوای عمومی»، پژوهش حقوق کیفری، دوره ۲، شماره ۴، صص ۶۵-۸۶.
- ۲۶) گلشن، مهدی (۱۳۹۲). **نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در دادرسی کیفری**، پایان‌نامه برای اخذ مدرک کارشناسی ارشد، رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه کاشان.
- ۲۷) لازرژ، کریستین (۱۳۸۲). **درآمدی بر سیاست جنایی**، مترجم: علی حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- ۲۸) مجتهد سلیمانی، ابوالحسن؛ مهدوی‌پور، اعظم؛ دارایی، بیژن؛ ابدالی، اسدالله (۱۳۹۶). «نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در دادرسی کیفری در جهت حمایت از حقوق و اخلاق شهروندی»، پژوهش‌های اخلاقی، سال هشتم، ویژه‌نامه شماره یک، صص ۸۹-۱۰۶.
- ۲۹) مظفری، سیما (۱۳۹۰). **نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در فرآیند دادرسی عادلانه جرائم کودکان و نوجوانان در ایران و فرانسه**، پایان‌نامه برای اخذ مدرک کارشناسی ارشد، رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۳۰) ناطق‌پور، محمدجواد؛ فیروزآبادی، سید احمد (۱۳۸۴). «سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در شهر تهران»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره شش، شماره چهار، صص ۵۹-۹۱.
- ۳۱) نوریان، ایوب (۱۳۹۴). «مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در فرآیند کیفری»، همایش ملی قانون آئین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ در بوته نقد.
- ۳۲) وروایی، اکبر؛ محمدی، همت؛ نوریان، ایوب (۱۳۹۵). «مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در فرآیند کیفری»، مجله تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، دوره ۱۲، شماره ۲۸، صص ۲۷-۴۳.
- 33) Delmas-Marty, Mireille (1998). "Ni Victims ni Procureurs, qui sontils?" Archives Politique Criminelle, N 10.
- 34) Kareem Elbyar (2005). NGO laws in selected Arab states International Journal of Not "for" profit Law , vol, No ۴۰.